

کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی

عادل ساریخانی*

روح الله اکرمی سراب**

چکیده

"شفافیت"، در ساختار اداری و بین کارگزاران حکومت از تدابیر بسیار مؤثر سیاست جنایی برای پیشگیری از بزهکاری به شمار می‌رود. نهاد مذکور، از طریق رؤیت‌پذیر ساختن فرآیندهای جاری در امور دولتی و عملکرد مجریان، سبب می‌گردد که ریسک ارتکاب فساد و سوءاستفاده از موقعیت در تشکیلات ذیربط افزایش یابد و بالتبع میزان بزهکاری تقلیل پیدا کند. به‌علاوه با شفاف‌سازی می‌توان ضمن کسب اعتماد عمومی، از رسوخ شبهه‌های خلاف واقع که می‌تواند زمینه کژروی شهروندان را فراهم سازد، جلوگیری نمود.

در نوشتار حاضر، تلاش شده به ابعاد این مسئله پرداخته شود و با ملاحظه آموزه‌های اسلامی اهمیت این موضوع بر اساس مبانی دینی تبیین گردد.

واژگان کلیدی: شفافیت، آزادی اطلاعات، سیاست جنایی، پیشگیری از جرم.

* دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، استادیار و رئیس دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

** مدرس دانشگاه، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

درآمد

از نظر تاریخی، در ابتدا پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه تنها از طریق اتخاذ تدابیر سرکوبگرانه صورت می‌پذیرفت و بدین طریق سعی می‌گردید با ارباب حاصل از اجرای آن، بزهکار و سایرین را از ارتکاب جرم باز دارند. گذشت زمان و تجربیات به دست آمده، از عدم توفیق کامل این‌گونه ضمانت اجراهای جزایی در صیانت از جامعه در قبال رفتارهای مجرمانه حکایت داشت. همین امر، اندیشمندان را به سوی تدوین نظامی سوق داد که ضمن حفظ سیاست کیفری سابق، که تنها عهده‌دار واکنش‌های رسمی در مواجهه با جرایم قانونی بود؛ با دخالت دادن جامعه مدنی در کنار دولت، پاسخ‌های کنشی (پیشگیرانه) را به پاسخ‌های واکنشی جهت مقابله با هر گونه کژروی و انحراف بیافزاید. بدین‌گونه سیاست جنایی شکل گرفت که از نظر متخصصان «شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیأت اجتماع با توسل به آن‌ها پاسخ‌های به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد»^۱.

یکی از روش‌های مزبور که جنبه پیشگیرانه دارد، ایجاد شفافیت در ساختار حاکمیت و عملکرد کارگزاران حکومتی از طریق شناسایی نظام آزادی اطلاعات می‌باشد؛ تدبیری که با به‌کارگیری آن در بستر سیاست جنایی می‌توان از بروز بسیاری از نابهنجاری‌ها و انحرافات، نظیر فساد اداری - مالی جلوگیری نمود. دلیل توجه سیاست جنایی به نهاد شفافیت آن است که مطالعات علت‌شناختی در جرم‌شناسی نشان می‌دهد پنهانکاری و اسرارگرایی مجریان اداره کشور، یکی از عوامل زمینه‌ساز بروز کژروی و انحراف در سطح حکومت و جامعه می‌باشد. از همین رو صاحب‌نظران بر اهمیت نقش فضایی که در آن چرخش آزاد اطلاعات وجود داشته و شفافیت در ساختار آن، به عنوان اصلی جدایی‌ناپذیر نمود داشته باشد و جایی برای پنهان کاری نباشد، در پیشگیری از بزهکاری تأکید نموده‌اند.

از همین رو است که در کشور ما، قانون‌گذار در سال ۱۳۸۷ با تصویب دو قانون "انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات" و "ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد" به بسترسازی لازم جهت تحقق شفافیت پرداخته است.

نوشتار حاضر، ضمن بررسی کارکردهای پیشگیرانه شفافیت، به مطالعه رویکرد اسلامی به این موضوع پرداخته است. لذا پس از تبیین مفهوم شفافیت (گفتار نخست)؛

^۱. دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد ۱، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۲۴-۲۳.

کارکردهای پیشگیرانه آن مطمح نظر قرار خواهد گرفت (گفتار دوم).

گفتار اول: مفهوم شفافیت

"شفافیت"، معادل پذیرفته شده برای اصطلاح «Transparency» است، که در مورد ریشه لغوی آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند این واژه از حرف اضافه «Trans»، به معنای "حرکت" و "جنبش" و «parent»، به مفهوم "قابل مشاهده"، ترکیب یافته است.^۱ عده‌ای دیگر بر آن هستند که این واژه از تألیف دو ریشه لاتین «Trans»، به معنای "از طریق" و "از میان"، و «parere»، به مفهوم "نماین شدن" و "نشان داده شدن جهت نظاره" اشتقاق یافته است.^۲ در اصطلاح، استعمال شفافیت در مورد اطلاعات، داده‌ها و رویه‌ها به معنای "آشکار بودن" و "در دسترس بودن" آن‌ها جهت بررسی و نظارت بر آنها می‌باشد.^۳

اصطلاح شفافیت با اصطلاح آزادی اطلاعات (حق دسترسی آزاد به اطلاعات در اختیار تشکیلات حکومتی) قرابت فراوانی دارد؛ به‌گونه‌ای که میان این دو، تمایز مفهومی روشن و مورد وفاقی وجود ندارد. از این رو، برخی از صاحب‌نظران صراحتاً اذعان داشته‌اند که معنای دقیق دو اصطلاح مزبور در ادبیات موجود چندان مشخص نیست^۴ و بیشتر جنبه سلیقه‌ای به خود گرفته است به‌گونه‌ای که به زعم برخی، شفافیت معادل آزادی اطلاعات می‌باشد. طبق این تعریف، شفافیت عبارت است از حق هر کدام از شهروندان در دسترسی به داده‌ها، آگاهی از معلومات و فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مرتبط و شناخت مکانیزم‌های اتخاذ تصمیم توسط مسئولان حکومتی.^۵ در مقابل، عده‌ای با بیان این‌که متعلق نهاد شفافیت، عملکرد اداری و به عبارت دیگر، حوزه عمومی حاکمیت بوده و مسأله آزادی اطلاعات ناظر بر

^۱ Richard, Oliver; What Is Transparency, United States: McGraw-Hill Companies, 2004, P 3

^۲ Karl-Heinz Brodbeck; TRANSPARENZ ALS ETHISCHERWERT; Paper for the Second Finance & Ethics Congress, 2004, P 64

^۳ Frederick Schauer; "Transparency In Three Dimensions", University Of Illinois Law Review, Vol.1 2011, P 1343

^۴ Frankie Schram; Transparency and Freedom of Information: a Complex Relation, Paper for the Transatlantic Conference on Transparency Research (Utrecht, Netherlands, 2012), 2012. Retrieved June 13, 2012, from <http://www.transparencyconference.nl/wp-content/uploads/2012/05/Schram.pdf>

^۵ فارس بن علوش ابن بادی السببسی، "دور الشفافیه و المساءله فی الحد من الفساد الإداری فی القطاعات الحكومیه"، (أطروحه دكتوراه الفلسفه فی العلوم الأمنیه، جامعه نايف العربیه للعلوم الأمنیه فی ریاض، ۱۴۳۱ق، ص ۹

حقوق فردی، (که در درجه نخست و از همه مهم‌تر به عملکرد اجتماعی شهروندان، آن‌ها هم نه فقط در ارتباط با مقامات دولتی، بلکه در روابط متقابل ایشان و نیز روابط آن‌ها با مؤسسات خصوصی قانونی نظر دارد^۱) به گونه‌ای تلویحی رابطه تباین را میان این دو ترسیم نموده‌اند. دسته‌ای دیگر از محققین نیز، در حالی که آزادی اطلاعات، کلیه اطلاعات در اختیار مؤسسات عمومی را شامل می‌شود؛ شفافیت را در آزادسازی آن دسته از اطلاعات مؤسسات منحصر دانسته‌اند که با ارزشیابی آن‌ها مرتبط می‌باشد^۲. بنابراین، نظرگاه آزادی اطلاعات گستره‌ای عام و شفافیت محدوده‌ای خاص دارد. دست آخر گروهی دیگر عکس این موضع را پذیرفته و شفافیت را، اعم از آزادی اطلاعات دانسته و اظهار داشته‌اند: «شفافیت در مقایسه با آزادی اطلاعات معنای گسترده‌تری دارد. دسترسی به اطلاعات یک جزء تشکیل‌دهنده از نهاد شفافیت به شمار می‌رود. این، در حالی است که شفافیت مستلزم آن است که امور به صورتی مدیریت شوند که آشکار و یا در معرض نظارت همگانی قرار گیرند. این، به معنای آن است که سوابق رؤیت‌پذیر تصمیمات و اقدامات رسمی، به منظور دسترسی بعدی، حفظ و نگهداری شده، و اجرای فرآیندهای دولتی و وضع مقررات، تا حد امکان قابل دسترس و قابل درک باشند. شفافیت مستلزم تضمین این امر است که امور اجرایی به حدی آشکار و قابل دسترسی باشد که فهمیدن و مشارکت طرف‌های ذینفع را در آن‌ها ممکن سازد. پیچیدگی، آشفتگی و محرمانگی، خصایصی هستند که نهاد شفافیت در صدد مقابله با آنها می‌باشد»^۳.

همان‌طور که از تعریف اخیر استنتاج می‌شود نقش آزادی اطلاعات به شناسایی حق مردم در دستیابی به اطلاعات در اختیار مؤسسات عمومی محدود است؛ در حالی که شفافیت، به عنوان خصیصه‌ای ساختاری مطمح نظر قرار گرفته، که حسب آن، عملکرد مؤسسات عمومی باید به صورت ساده، انتظام‌یافته و آشکار تحقق یابد؛ به نحوی که افراد نه تنها بعداً بتوانند نسبت به آن اطلاع کسب نمایند بلکه حین جریان

^۱.Mark Bovens; Information Rights: Citizenship In The Information Society,2002.Retrieved may8,2012,fromhttp://igitur-archive.library.uu.nl/law/2012-0321-200605/Information%20rights_Bovens.pdf

^۲.Lindstedt, Catharina; Naurin, Daniel; Transparency Against Corruption, 2006. Retrieved may 5, 2012, from http://www.qog.pol.gu.se/digitalAssets/1358/1358046_transparency-against-corruption-accepted-version_.pdf

^۳. Birkinshaw, Patrick; Freedom of Information (The Law, the Practice and the Ideal), Cambridge: Cambridge University Press, Fourth Edition, 2010, p 29

بتوانند مشارکتی آگاهانه از خود به عمل آورند. تفصیل اخیر توسط برخی از متخصصان حوزه آزادی اطلاعات مورد پذیرش قرار نگرفته است و خصیصه مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها را از شمول آزادی اطلاعات خارج دانسته‌اند. در طرح راجع به اصول ناظر بر قوانین آزادی اطلاعات، که توسط "توبی مندل" مدیر برنامه حقوقی ماده ۱۹ تدوین شده است، ذیل اصل هفتم، تصریح گردیده است که آزادی اطلاعات، علاوه بر حق جامعه مبنی بر آگاهی از آنچه حکومت به نیابت از آن‌ها انجام می‌دهد، متضمن مشارکت ایشان در فرآیندهای تصمیم‌گیری^۱ می‌باشد، بنابراین، قوانین آزادی اطلاعات، باید این فرض را که کلیه نشست‌های مؤسسات حکومتی به روی مردم باز باشد، لحاظ نمایند.^۲

در مقام ارزیابی نظریات مطرح شده، می‌توان گفت صرف نظر از آن‌که آزادی اطلاعات به معنای آزادی اعضای جامعه در برخورداری از اطلاعات در اختیار نهادهای عمومی و بعضاً غیرعمومی است (در حالی که شفافیت منحصراً ناظر بر مؤسسات عمومی است)؛ لکن در آزادی اطلاعات، آنچه به عنوان هدف اصلی مورد نظر است، آن است که افراد بدون مانعی بتوانند به اطلاعاتی که در اختیار مؤسسات است، دست یابند، و طبیعی است که تحقق چنین امری در گرو آن است که حکومت، امور اداری‌اش را به گونه‌ای تنظیم نماید که اولاً اطلاعات از بین برده نشده و محو نگردند تا زمینه دسترسی فراهم شود؛ ثانیاً، اطلاعات به صورتی ارائه شود که برای همگان قابل درک باشد؛ زیرا در غیر این صورت، حق دسترسی آزادانه به اطلاعات از محتوای خود تهی و به امری پوچ تبدیل خواهد شد؛ ثالثاً، خود حاکمیت نیز باید حق مردم بر آگاهی را مورد ترویج و فرهنگ‌سازی قرار دهد. برآیند تحقق چنین پیش‌زمینه‌هایی را که لوازم آزادی اطلاعات هستند، اصطلاحاً تحت عنوان "شفافیت" مطرح کرده‌اند. از همین رو است که برخی، هدف از آزادی اطلاعات را ترویج شفافیت و وصف کرده‌اند.^۳

با توجه به آنچه گفته شد، در گفتار بعدی نقش شفافیت، در معنای وضعیتی که

¹. Right to participate in decision - making processes

². Mendel, Toby; The Public's Right to Know (Principles on Freedom of Information Legislation), London: Article 19, 1999, p 9

³. Iyer, Venkat; Freedom of Information: Principles for Legislation, Proceedings of the seminars on E-Governance & Democracy in the Millennium: Challenges & Opportunities (Chennai, India, 2000), 2000, p 3, Retrieved may 22, 2012, from <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/apcity/unpan002177.pdf>

طی آن عملکرد کارگزاران حکومتی قابلیت اطلاع‌پذیری و اعمال نظارت را از سوی شهروندان در خود داشته باشد، در چارچوب سیاست جنایی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار دوم: کارکرد پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی

کارکرد پیشگیرانه برقراری شفافیت، در ساختار مؤسسات عهده‌دار امور عمومی جامعه و کارگزاران حکومتی، در ارتباط با بزهکاری، از دو منظر متمایز شایسته‌تدقیق می‌باشد: در وهله نخست، چنین سازوکاری جهت جلوگیری از سوءاستفاده متصدیان دولتی از قدرتی که در اختیار دارند، و به تعبیر دیگر، فساد اداری، نقش به‌سزایی داشته و بعد مذکور در ادبیات جرم‌شناختی معاصر و رویکرد بین‌المللی توجه شایانی را به خود جلب کرده است. لیکن باید توجه داشت که جریان آزاد اطلاعات و شفاف‌سازی توسط دارندگان قدرت در جامعه، می‌تواند جهت مقابله با بزهکاری شهروندان عادی نیز نقش به‌سزایی داشته باشد، که این جنبه، در آثار و تحقیقات صورت گرفته تا حد زیادی مغفول واقع شده است.

از این رو، جهت تسهیل در بحث، دو وجه مزبور از کارکرد پیشگیرانه شفافیت را به صورت جداگانه در دو بخش پی می‌گیریم.

بخش اول. پیشگیری از بزهکاری مقامات عمومی

در آموزه‌های اسلامی، "قدرت" به کمال و نعمت الهی قلمداد شده است. نصوص موجود این نگرش را مورد تأیید قرار می‌دهند. هنگامی که افراد هنجارمند، قدرت پیدا می‌کنند، این نعمت عاملی است که می‌تواند با تمهید فرصت اجرای احکام الهی و خدمت‌گزاری به مردم، موجب تعالی آن‌ها و جامعه گردد؛ چنانکه خداوند متعال در آیه شریفه ۴۱ سوره مبارکه حج به این مسأله اشاره کرده و می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ... ؛ کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت ببخشیم، نماز را بر پا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.»

اما اگر کسی که نسبت به قدرت، این نعمت الهی، کفران نموده و به کارش انگیزه خدایی نداده و انگیزه‌اش از رسیدن به آن، برتری‌جویی و تحصیل منافع شخصی باشد؛ همین قدرت به بستری مبدل خواهد شد که صاحبش را به سمت فساد و کزروی سوق می‌دهد؛ چنان‌که بسیاری از حکمرانان در طول تاریخ از آن سوء استفاده

نموده و سر به طغیان نهادند. سوءاستفاده‌هایی که از قدرت به عمل آمده است، توجه بسیاری از متفکران، به ویژه حامیان آنارشیسم، را به خود جلب نموده و زمینه بدبینی و بالتبع مخالفت آن‌ها را فراهم کرده است. لرد آکتون، مورخ و سیاستمدار مشهور انگلیسی، که از مخالفان جدی قدرت حکومتی در کلیه اشکال مردم‌سالارانه، سوسیالیست و استبدادی بود؛ در عبارتی معروف در این زمینه می‌نویسد: «قدرت، به فساد تمایل دارد و قدرت مطلق، کاملاً فسادانگیز خواهد بود».^۱ در جهت چنین طرز فکری است که برخی از دانشمندان علوم اجتماعی به مطالعه آثار فسادآور قدرت پرداخته‌اند.^۲

سوءاستفاده از قدرت توسط کارگزاران حکومتی، در ادبیات حقوقی - جرم‌شناختی، تحت عنوان فساد مورد بررسی قرار می‌گیرد، و با توجه به گفتن معاصر می‌توان آن را در بستر بزهکاری دولتی نیز مورد بحث قرار داد. فساد، از جمله مهم‌ترین چالش‌های جامعه بشری در دوران معاصر است؛ به گونه‌ای که سازمان شفافیت بین‌الملل در گزارش موسوم به شاخص ادراک فساد^۳، سال ۲۰۱۱، خاطر نشان کرده که معضل مزبور به یأس عمومی در عرصه بین‌المللی منجر گردیده؛ به نحوی که هیچ منطقه یا کشوری در جهان از آسیب‌های فساد بخش دولتی مصون نیست. گواه این مسأله آن است که قریب به اتفاق ۱۸۳ کشور و قلمرو مورد ارزیابی، در مقیاسی متغیر بین صفر (بسیار فاسد) تا ده (بسیار پاک)، نمره زیر پنج را کسب کرده‌اند.^۴ در گزارش سازمان مزبور در سال ۲۰۱۰ نیز آمده بود که نزدیک به سه‌چهارم کشورهای مورد بررسی، نمره زیر پنج دارند.^۵

مطالعات، حاکی از آن است که میزان فساد ارتكابی توسط کارگزاران حکومتی ارتباط مستقیمی با میزان شفافیت و عدم شفافیت در ساختار تشکیلات دولتی دارد. در نظام‌های اقتدارگرا و اقتدارگرای فراگیر که در آن‌ها آزادی فدای قدرت می‌شود، کیش شخصیت و سیاست مرید و مراد حاکم است. بقای نظام سیاسی به هر قیمتی یک اصل بوده و برای این هدف کاربرد هر نوع وسیله‌ای موجه است. جامعه مدنی فقط تکالیف دارد و نه حقوق. رویکرد به مقوله مردم و حقوق آن‌ها کاملاً شعاری، سطحی

¹. Martin, Brian; Information Liberation: Challenging the Corruptions of Information Power, London: Freedom Press, First Edition 1998, p 2

². Ibid, p 1

³. corruption perception Index (CPI)

⁴. Transparency International; Corruption Perceptions Index 2011, Berlin: Transparency International, 2011, P 4

⁵. Transparency International; Corruption Perceptions Index 2010, Berlin: Transparency International, 2010, P 2

و ابزاری است. در چنین نظام‌هایی که شفافیت در اداره کشور، امری استثنایی محسوب می‌گردد^۱، فساد در سطح متصدیان حاکمیت و کارگزاران دولتی، نه تنها رایج، بلکه عادی می‌نماید. با فروپاشی چنین نظام‌هایی و استقرار نظام مبتنی بر مردم‌سالاری، که حاکمیت، امانتدار و نماینده جامعه به شمار رفته و مردم صاحبان اصلی حق شناخته می‌شوند (و در نتیجه شفافیت به مثابه اصلی بنیادی مورد رعایت قرار می‌گیرد) زمینه مبارزه با مظاهر فساد، به نحو مطلوب‌تری فراهم می‌گردد؛ چرا که در چنین وضعیتی، از طریق شفاف‌سازی محیط‌های اداری، ارتکاب بزه و سوءاستفاده از جانب کارکنان دشوار و خطر شناسایی و دستگیری ایشان افزایش می‌یابد و این تدبیر پیشگیرانه وضعی، با ایجاد موانعی در فرآیند گذار از اندیشه به عمل، کارگزار را از عملی ساختن تصمیم فسادآلود خویش باز خواهد داشت. از همین رو است که در عرصه بین‌المللی، ضرورت دسترسی به اطلاعات در اختیار مؤسسات عمومی، به صورت گسترده‌ای در سال ۲۰۰۳، به منزله ابزاری برای کمک به سیاست مبارزه با فساد، شناسایی شده است.^۲ گزارش ناظر بر فساد جهانی، نشریه سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل^۳، تمرکز ویژه‌ای بر مسئله شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات، و برجسته‌سازی اهمیت آن در مقابله با فساد داشته است. پیتر ایگن، مؤسس سازمان، در مقدمه گزارش بیان می‌دارد که دسترسی به اطلاعات، مهم‌ترین سلاح در برابر فساد است. این نکته به صورت رسمی در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد تصریح شده است. کنوانسیون، کشورهای عضو را به انحای مختلف در مواد (۱) و (a) ۱۰ به تضمین شفافیت دولتی در سطح کلی فرا می‌خواند: شفافیت در ارتباط با کارکنان دولت^۴، و هزینه نامزدهای انتخاباتی^۵ [مواد (a) ۷(۱) و ۳]، شفافیت در تدارکات و امور مالی دولتی^۶ [مواد (a) ۹(۱) و ۲]؛ و به صورت قابل ملاحظه‌ای مقررات کنوانسیون در خصوص مشارکت اجتماعی، تقریباً به‌طور کامل به موضوعات شفافیت و اطلاعات، اختصاص داده شده است (ماده ۱۳). همچنین کنوانسیون در ماده ۱۲(۲) به مسئله آشکار بودن شرکتی^۷ پرداخته است. وفق بند الف ماده ۱۰ کنوانسیون:

^۱. موسوی، سید عباس، شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل و شورای اروپا، دیپاچه به قلم

علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۵

^۲. Mendel, Toby; Freedom of Information (A Comparative Legal Survey), Paris: UNESCO, Second Edition 2008, P 20

^۳. Transparency International (TI)

^۴. Civil Servants

^۵. Funding for Electoral Candidates

^۶. Public Procurement and Finances

^۷. Corporate Openness

«هر کدام از کشورهای عضو لازم است در تشکیلات دولتی خود که برای تقویت شفافیت ممکن است ضرورت داشته باشد، تدابیری انجام دهند؛ نظیر اتخاذ مراحل یا مقرراتی که به صورت متناسب و با ملاحظه حفاظت از حق خلوت و داده‌های شخصی، به اعضای جامعه اجازه تحصیل اطلاعات تشکیلات، عملکرد و فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به اداره عمومی کشور و تصمیمات و اقدامات قانونی‌ای که به جامعه ارتباط دارد، فراهم می‌سازد».

نقش پیشگیرانه شفافیت حاکمیت نسبت به بروز فساد، به حدی است که در عمل نیز کشورهایی که به سطح بالایی از فساد آلوده هستند به ابزار مزبور متمسک می‌شوند. به عنوان نمونه، پارلمان اسلواکی در سال ۲۰۱۱، به اصلاح قانون مدنی پرداخته و به منظور مقابله با فساد، اعتبار کلیه قراردادهای خدمات دولت را به انتشار بر روی اینترنت منوط نمود که در این جهت، دولت این کشور همه قراردادهای چند سال قبل را نیز بر روی اینترنت اطلاع‌رسانی نموده است.^۱

در مورد تحلیل نحوه کارآیی نهاد شفافیت در پیشگیری از جرم و این‌که چگونه نهاد مذکور می‌تواند از وقوع بزهکاری و مشخصاً فساد توسط کارگزاران حکومتی جلوگیری کند، باید آن را در دو بعد مورد توجه قرار داد:

الف) از یک منظر و در بسیاری از موارد، صرف فراهم کردن شرایطی که زمینه آگاهی اعضای جامعه و دسترسی آن‌ها به اطلاعات را ممکن نماید، در بازدارندگی از بزهکاری کارگزاران حکومتی مؤثر خواهد بود. چنین حالتی برگرفته از احساسی روانی است که به کارگزاران حکومتی در ازای اطلاع یافتن عموم و در معرض قضاوت افکار عمومی قرار گرفتن، دست می‌دهد؛ حتی اگر جامعه از خود واکنش خاصی نشان ندهد. زیرا از نظر روان‌شناختی، افراد غالباً در صدد آن هستند که تصویر مطلوبی از شخصیت خود در اذهان دیگران ترسیم کنند، لذا چنانچه افراد بدانند که اقدامات ایشان در معرض نظارت قدرت‌هایی است که از کنترل آن‌ها خارج است؛ به صورت متفاوت، و البته مسئولانه‌تری رفتار می‌نمایند.^۲ استر دایسون، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سوئیدی که در عرصه شفافیت دولت نیز فعالیت دارد، در این زمینه به مدیران و کارگزاران مؤسسات توصیه می‌کند که زندگی توأم با شفافیت، مستلزم آن است که اینان به صورت اساسی طرز نگرش خود را تغییر دهند. وی می‌افزاید آن‌ها

^۱ Martin Šimečka; La transparence contre la corruption, 2011. Retrieved July 5, 2012, p3 from <http://www.presseurop.eu/fr/content/article/449741-la-transparence-contre-la-corruption>

^۲ Anheier, Helmut K; Toepler, Stefan; International Encyclopedia of Civil Society, Vol. 1, New York - Heidelberg: Springer, 2009, p 1566

باید یاد بگیرند مؤسسه ایشان به گونه‌ای اعتبار می‌شود که مردم آن را مشاهده می‌کنند، و مردم می‌توانند به راحتی تشکیلات را آن‌گونه که هستند، ببینند؛ نه آن‌طور که مسئولان تظاهر می‌نمایند. وی چنین وضعیتی را به حالتی تشبیه می‌کند که مسئولان خود را در آینه مشاهده کنند، که ممکن است چنین حالتی در ابتدا ناراحت‌کننده باشد؛ لکن امری اجتناب‌ناپذیر است. لذا می‌افزاید در این وضعیت کسانی موفق خواهند بود که نحوه پاسخ دادن به این بازخورد را بدانند، به جای آن‌که به سرکوب آن بپردازند، و بتوانند بر آنچه نسبت بدان کنترل ندارند، تأثیرگذار باشند.^۱

در آموزه‌های اسلامی نیز بر بازدارندگی تصور افراد مبنی بر آگاهی دیگران از اعمال ارتكابی اشاره شده است. در دعای ابوحمزه ثمالی از حضرت امام زین العابدین - علیه السلام - نقل گردیده که حضرت خطاب به ذات باری تعالی عرض می‌نمایند: «رب جللنی بسترک و اعف عن توبیخی بکرم وجهک، فلو اطع الیوم علی ذنبی غیرک ما فعلته». ^۲ همان‌طور که آن حضرت در این بخش از این دعای شریف اشاره می‌فرمایند، اینکه انسان بداند کسی از گناه وی اطلاع خواهد یافت، سبب می‌شود که خود را بدان آلوده نسازد. ائمه معصومین علیهم السلام، تلاش می‌کردند با چنین راهکاری افراد را از رفتن به سمت جرایم و معاصی باز دارند. نقل شده است که فردی نزد نبی گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - آمد و از ایشان خواست روشی به وی بیاموزد که خیر دنیا و آخرت را برایش فراهم سازد، حضرت فرمودند: «لا تکذب»؛ او را از گفتن دروغ نهی نمود. آن فرد می‌گوید: «و کنت علی حال یکرهها الله، فترکتها خوفاً أن یسألنی سائل [عنها] عملت کذا و کذا فأفتضح، أو أکذب فأکون قد خالفت رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - فیما حملنی علیه»^۳ یعنی گاهی در وضعیتی قرار می‌گرفتم که می‌دانستم خداوند متعال از آن ناخشنود است. لذا آن را ترک می‌کردم که مبدا کسی از من در مورد آن وضعیت سؤال نموده و من ناچار شوم با بیان واقعیت رسوا و یا با گفتن دروغ، بر خلاف سفارش پیامبر خدا عمل نموده باشم. همان‌طور که در این روایت مشاهده می‌شود، ترس از آشکار شدن اعمال برای سایرین، مانع کزروی‌های فرد گردیده است. با کاربست چنین مدلی در

^۱ Esther Dyson; "Mirror, Mirror on the Wall", Harvard Business Review, September and October 1997, pp 24-25

^۲ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، مصباح‌المتهدد و سلاح‌المتعبد، جلد ۲، مؤسسه فقه‌الشیعه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ص ۵۸۴

^۳ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الاثمه الأطهار علیهم السلام، جلد ۶۹، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ص ۲۶۲

ساختار حاکمیت، و تضمین این که اعمال کارگزاران، ورای هرگونه تحریف، در معرض شفافیت قرار گیرد، می توان از بسیاری از مفاسد در میان متصدیان حاکمیت جلوگیری به عمل آورد.

ب) هر چند بسیاری اوقات صرف "شرمساری ناشی از کژروی افشا شده برای جامعه"، عاملی بازدارنده تلقی می شود؛ برخی مواقع نیز که موقعیت مرتکب تهدید نشود، فرد، چندان نگران شهرت خود نمی باشد. در چنین شرایطی افزایش ریسک شفافیت و همگانی شدن اطلاعات، موجب اصلاح رفتار کارگزار نخواهد شد مگر آن- که وی باور داشته باشد آگاهی دیگران می تواند بهای اعمالش را به او تحمیل کند.^۱ از این رو کارآمدی کامل و مطلوب شفافیت در قلع ماده فساد تنها در بستری میسر خواهد بود که کارگزاران حکومتی در قبال عملکرد خویش پاسخگو باشند. لذا برخی از محققان تصریح کرده اند که "شرط پاسخگویی"^۲ متضمن آن است که علاوه بر آن- که اقدامات مؤسسات در معرض نظارت همگان باشد، چنانچه آزادسازی و انتشار اطلاعات برای مردم، رفتار فاسد کارگزاران حکومتی را نمایان سازد؛ مردم باید تعدادی مکانیسم متضمن ضمانت اجرا را در اختیار داشته باشند.

بر همین مبنا، گزارش شاخص ادراک فساد سال ۲۰۱۱ سازمان شفافیت بین الملل، اعتراض همگانی تسری یافته به کل جامعه را علاوه بر مسئله فساد، ناظر بر مصونیت از مجازات^۳ دانسته است، و تصریح گردیده که علی رغم آن که ممکن است زمینه های اعتراض عمومی متعدد باشد، پیام واحدی را دنبال می نمایند: «شفافیت و پاسخگویی بیش تر حکمرانان مورد احتیاج است!»^۴ همان گونه که از مفاد گزارش پیداست، عدم اعمال ضمانت اجرا، و به طور مشخص مجازات، که حاکی از فقدان مسئولیت پذیری و پاسخگویی در میان کارگزاران حکومتی است، همسنگ وجود فساد، اسباب ناراحتی مردم را فراهم نموده و تحقق هر دو، به مطالبه ای عمومی تبدیل شده است. در گزارش سال قبل سازمان مزبور نیز تأکید شده بود که هر دو عامل شفافیت و پاسخگویی برای اعاده اعتماد و برگرداندن موج فساد مهم هستند.^۵

¹. Catharina Lindstedt; Naurin, Daniel; Transparency Against Corruption, 2006 Retrieved may 5, 2012, p 8, from

http://www.qog.pol.gu.se/digitalAssets/1358/1358046_transparency-against-corruption-accepted-version.pdf

². The accountability condition

³. Impunity

⁴. 38 Transparency International; Corruption Perceptions Index 2011, Berlin: Transparency International, 2011, p 4

⁵. Transparency International; Corruption Perceptions Index 2010, Berlin: Transparency International, 2010, p 2

مطالعه سیره ائمه معصومینی که زمام حکومت را در اختیار داشتند؛ به خوبی این واقعیت را نشان می‌دهد که در صورت اطلاع مردم از وقوع انحراف بین کارگزاران حکومتی، معصومین به همه این گزارش‌های آنها ترتیب اثر داده و واکنش مناسب را اتخاذ می‌فرمودند؛ که گاه به عزل شخص می‌انجامید.

بخش دوم: پیشگیری از بزهکاری شهروندان عادی

یکی از آثار مهم شفافیت و رعایت حق دسترسی جامعه به اطلاعاتی که در اختیار حاکمیت است، در کارکرد پیشگیرانه آن نسبت به ارتکاب جرم توسط شهروندان عادی تبلور می‌یابد. توضیح آن‌که در بسیاری از موارد، ممکن است عملکرد کارگزاران حکومتی، قانونمند و عاری از هر گونه فساد باشد، لیکن به دلایل مختلفی، مانند کیفیت ظاهر رفتار و یا رواج شایعات خلاف واقع در جامعه، این تصور نزد شهروندان به وجود آید که مسئولین آن‌ها افرادی کزرو و آلوده به انحراف هستند. در چنین حالاتی، شفافیت و شناسایی حق مردم بر آگاهی و التزام کارگزاران حکومتی به ارائه اطلاعات به مردم، می‌تواند تدبیری مناسب جهت رفع شبهه‌های مطرح در اذهان مردم باشد؛ چه در صورت عدم اطلاع‌رسانی ممکن است شکل‌گیری همین تصور خلاف واقع در اذهان، سبب سوق یافتن مردم به سمت رفتارهای بزهکارانه گردد.

از منظر نظریه جرم‌شناختی "یادگیری اجتماعی"^۱، تحلیل حرکت شهروندان به سمت بزهکاری‌ای که برخاسته از برداشت آن‌ها از فساد کارگزاران حاکمیت باشد، از طریق توجه به تعریفی که بزهکار به جرم ارتكابی خویش می‌دهد، قابل استدراک است. همان‌طور که ساترلند استدلال می‌کرد، عامل اصلی در تشخیص نقض قانون از سوی مردم، نه در نفس شرایط اجتماعی‌ای است که تجربه می‌کنند، بلکه در معنایی نهفته است که به شرایط مذکور می‌دهند. لذا این‌که شخص مطیع یا ناقض قانون می‌باشد، به این نکته بستگی دارد که چگونه وضعیت خود را تعریف می‌نماید.^۲ از این رو، در نظریه ساترلند علل واقعی رفتار جنایی ایده‌ها هستند، که همان تعاریف موافق نقض قانون هستند.^۳

این تعاریف موافقی که به بزه ارتكابی داده می‌شود، بر دو گونه می‌باشند: گاهی

¹.The social learning theory

².George Vold; Thomas J Bernard and Snipes, Jeffrey B; Theoretical Criminology, New York – Oxford: Oxford University Press, Fourth Edition, 1998, p 186

³.Ibid, p 189

تعاریفی اثباتی^۱ می‌باشند که بر اساس آن، مستقیماً رفتار به عنوان عملی که انجام دادن آن مطلوب یا خوب است، ارزیابی می‌گردد؛ و گاهی تعاریفی^۲ خنثی‌کننده می‌باشند که مرتکب، رفتار را به طور کلی امر پسندیده‌ای ندانسته ولی در آن شرایط، آن را قابل قبول، توجیه‌پذیر یا قابل اغماض می‌بیند.^۳

در ارتباط با حالتی که شهروند، رفتاری مباح از سوی متصدیان حاکمیت می‌بیند لیکن به لحاظ فقدان شفافیت، آن را به عنوان انحراف تصور می‌کند، ممکن است وی بر اساس آن به رفتارهای منحرفانه روی آورد که برخاسته از تعاریفی باشد که در آن اوضاع و احوال به عمل خویش می‌دهد. در این خصوص، هر دو نوع تعاریفِ موافق نقض قانون قابل طرح است.

الف) تعریف اثباتی: از منظر جرم‌شناسی، ورود فرد به عرصه فعالیت‌های مجرمانه، بر اثر تبعیت از رفتارهایی که مرتکب، ارتکاب آن را به نظاره نشسته و یا به نحوی از آن اطلاع یافته است، در جایی که تقلیدشونده، از جایگاه بالاتری نسبت به تقلیدکننده برخوردار باشد، نمود جدی‌تری می‌یابد. یکی از عوامل شکل‌گیری چنین فرآیندی را می‌توان در همان تعاریف اثباتی موافق نقض قانون دانست که فرد برای رفتار خویش قائل می‌شود. این امر در عرصه تقلید مردم از حکمرانان خویش به خوبی قابل ترسیم است؛ به ویژه اگر مسئولان حکومتی واجد جنبه کارزماتیک نیز بوده باشند، چنین پیامدی تشدید خواهد شد. در این حالت، شهروندان، به لحاظ منزلتی که برای حکمرانان محبوب خویش قائل بوده و آن‌ها را به عنوان مرجع وضع‌کننده هنجار و ارزش در نظر می‌گیرند، به هم‌شکلی با این الگوهای رفتاری مبادرت ورزیده و نه تنها عمل خود را قبیح و مذموم نمی‌پندارند، بلکه به لحاظ تقدس و اعتباری که برای الگوی رفتاری خویش قائل می‌شوند، رفتار خود را که در مقام تقلید از آن صورت می‌پذیرد، در خور تمجید و تحسین می‌پندارند. نکته‌ای که در قالب این مثل یا حدیث معروف منعکس گردیده که «الناس علی دین ملوکهم»^۴. اعضای جامعه بر مسلک حاکمان خود سلوک می‌نمایند. در این جهت از حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام -

^۱. The positive Definitions

^۲. The Neutralizing Definitions

^۳. Marvin Krohn; Alan JLizotte and Gina Penly Hall; Handbook on Crime and Deviance, New York: Springer 2009, p 107

^۴. أبو الحسن علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ج ۲، تصحیح هاشم

رسولی محلاتی، نشر بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق، ص ۲۱

چنین نقل شده است: «الناس بامرائهم أشبه منهم بآبائهم»^۱. بر همین مبنا، چون حاصل تقلید، از محتوای ذهنی تقلیدکننده در فرآیند تقلید از رفتار تقلیدشونده تأثیر دارد؛ حتی اگر برداشت مذکور بر واقع منطبق نباشد، مقامات عمومی باید در جایی که رفتارشان موجب آلوده شدن ذهن شهروندان به شبهه می‌گردد، با شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی، آن‌ها را از افتادن در ورطهٔ بزهکاری باز بدارند. تقلید حکم‌شوندگان (مردم) از حکم‌کنندگان (متصدیان حاکمیت)، مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. احمد بن واضح یعقوبی، دانشمند شیعی قرن سوم هجری، اثر مستقلى تحت عنوان «مشاکله الناس لزمانهم» را در مورد همین مبحث تألیف کرده، که متمرکز بر ارائهٔ یک نظریهٔ جامعه‌شناسانه موسوم به «هم‌شکلی مردم با حاکمان» است. وی در تبیین این نظریه می‌نویسد: «فأما الخلفاء و ملوک الاسلام، فان المسلمین فی کل عصر تبع للخلیفه، یسلکون سبیلہ و یدهبون مذاهبه، و یعملون علی قدر ما یرون منه، و لا یخرجون عن اخلاقه و افعاله و اقواله»^۲. استفاد از این نظریه آن است که مردم در هر دوران، دنباله‌رو حاکم خویش بوده و راه او را در پیش گرفته و به اعتقادات او معتقد بوده و به هر چه از او مشاهده می‌کنند، عمل کرده و از محدودهٔ اخلاقی، رفتاری و گفتاری حاکم خویش خارج نمی‌شوند. یعقوبی سپس برای اثبات نظریهٔ جامعه‌شناختی خویش، به روشی علمی به بررسی سرگذشت عهد سی و یک خلیفه در جامعهٔ اسلامی می‌پردازد، و بر اساس این داده‌ها، فرضیه‌آزمایی و آن را اثبات می‌کند. وی در تحقیق خویش مصادیقی چند از عملکرد حکمرانان متعدد را مورد بررسی قرار می‌دهد که توسط مردم مورد تبعیت قرار می‌گرفته است. گابریل تارد، جرم‌شناس شناخته‌شدهٔ فرانسوی، نیز در دومین قانون از قوانین سه‌گانهٔ تقلید به همین مسئله توجه و تصریح می‌کند که معمولاً افراد فرودست، از افراد فرادست تقلید می‌کنند. وی با پیگیری پیشینهٔ جرایمی مانند ولگردی، باده‌گساری و قتل عمد چنین نتیجه می‌گیرد که جرایم مذکور ابتدا در خاندان سلطنتی ارتکاب می‌یافته و سپس توسط سایر طبقات اجتماعی تقلید می‌شده‌اند.^۳

^۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الاثمه الأطهار، علیهم السلام، ج ۷۵، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ص ۴۶

^۲. منتظری مقدم، حامد، یعقوبی و نظریه هم‌شکلی مردم با حاکمان، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱، ۱۳۸۳، صص ۳ و ۲

^۳. George Vold; Thomas J Bernard and Jeffrey B Snipes; Theoretical Criminology, New York – Oxford: Oxford University Press, Fourth Edition, 1998, p 183

ب) تعریف خنثی‌کننده: آکرز استدلال می‌کند که در بین تعاریف موافق انحراف، تعاریف خنثی‌کننده نسبت به دسته نخست رواج بیشتری دارند و بر گروه وسیعی از معاذیر و توجیه‌هایی مشتمل خواهند بود که در ادبیات امروزی تحت اصطلاحاتی چون روش‌های خنثی‌سازی^۱، رهاسازی از الزامات اخلاقی^۲ و نظایر آن شناخته می‌شوند.^۳ به اعتقاد دیوید ماتزا و گرشام سایکس، مبتکرین نظریه خنثی‌سازی، بزهکاران برای ارزش‌های اجتماعی اعتبار قائل‌اند اما سعی می‌کنند با به‌کار بردن برخی فنون خنثی‌سازی کنترل‌های اجتماعی درونی و بیرونی، آن‌ها را برای خود بی‌اعتبار کنند و دور بزنند. اصل ابتدایی در نظریه مذکور آن است که فراگیری بزهکاری، با یادگیری شیوه‌های مذکور ملازمه دارد. در چنین وضعیتی فرد می‌تواند در عین اعتقاد به هنجارهای اجتماعی، به نقض آن‌ها مبادرت ورزد.^۴ چنین رویکردی در پرتو تعریفی صورت می‌گیرد که بزهکار از بزه ارتكابی خویش اراده می‌کند. به نظر ماتزا و سایکس، فنون خنثی‌سازی، عنصر ضروری برای این تعریف موافق نقض قانون می‌باشند.^۵ سرزنش مؤاخذه‌کنندگان (تقیح مأموران اجرای قانون)^۶ یکی از این فنون و تکنیک‌ها است که حسب تجربه در توجیه‌تراشی‌های مطرح شده برای بزهکاری شهروندان، با تکیه بر استناد به فساد کارگزاران حکومتی، جایگاه ویژه‌ای دارد. بزهکار، با توسل به این روش، توجه‌ها را از اعمال منحرفانه خود به سمت انگیزه‌ها و رفتار اشخاصی دور می‌کند که مخالف نقض قانون از طرف آن‌ها است. این رویکرد نسبت به دنیای هماهنگ‌کننده رفتار انسان‌ها با هنجارهای جامعه، ممکن است اهمیت داشته باشد؛ به‌ویژه وقتی با بدبینی نسبت به کسانی که وظیفه اجرا یا بیان هنجارهای جامعه به آن‌ها محول شده است، تشدید می‌شود. در این بستر، بزهکار، موضوع بحث و گفتمان میان محرک‌های منحرفانه خود و واکنش دیگران را تغییر داده و با حمله به دیگران، خطای موجود در رفتار خویش را پنهان یا مفقود می‌کند.^۷ برخی از کسانی که در سطح جامعه مرتکب جرم می‌شوند، تلاش می‌کنند از طریق استناد به

^۱. Techniques of Neutralization

^۲. Moral Disengagement

^۳. Marvin D Krohn; Alan J Lizotte and Gina Penly Hall; Handbook on Crime and Deviance, New York: Springer 2009, p 107

^۴. متزا، دیوید و گرشام سایکس، فنون خنثی‌سازی کنترل‌های اجتماعی درونی و بیرونی، ترجمه حیدر فرهنگدفر، مجله تعالی حقوق، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱

^۵. همان، ص ۲۰۷

^۶. The Condemnation of the Condemners

^۷. همان، صص ۲۱۱-۲۱۰

فساد موجود در حاکمیت، توجه مخاطبان را از خود به سوی کارگزاران حکومتی معطوف سازند و از این طریق، عدم هم‌نوایی خویش را با هنجارهای اجتماعی توجیه و امکان سرزنش شدن خود را خنثی سازند.

آلبرت باندورا، روان‌شناس کانادایی، نیز که معتقد است اغلب رفتارهای انسانی بر اثر مشاهده و از طریق الگوسازی آموخته می‌شود؛ در تبیینی هم‌سنخ با نظریهٔ خنثی‌سازی ماتزا و سایکس اظهار می‌دارد: مردم می‌توانند فرا گیرند که پس از ارتکاب رفتار ضد اجتماعی، خود را از وجدان‌شان برهانند، که این روش‌های "خود تبریئه‌کنندگی"^۱ مشتمل بر اشکال متعددی است که ناچیز شمردن شدت اعمال ارتكابی از طریق اشاره به شدیدتر بودن جرایم سایرین و جابه‌جا کردن مسئولیت سوء رفتار به مقامات بالاتر از جملهٔ این شگردها است.^۲ با تکیه بر تحلیل اخیر نیز مشخص می‌گردد که اگر مردم به حکمرانان خود به دیدهٔ اشخاصی فاسد بنگرند، طی فرآیند یادگیری می‌توانند به ارتکاب بزه روی آورده و با استناد به بزهکاری حکمرانان، رفتار خویش را با آسودگی خاطر انجام دهند و بزه خویش را در مقایسه با بزه آن‌ها، امری جزئی و غیر قابل سرزنش معرفی و مسئولیت آن را به کارگزاران حکومتی نسبت دهند. لذا بر کارگزاران حکومتی هم که به فساد نیستند، لازم است که اگر احتمال می‌دهند رفتار ایشان نزد شهروندان نادرست جلوه‌گر می‌شود، اطلاعات لازم را برای تنویر اذهان عمومی عرضه داشته و اصل شفافیت را نصب‌العین خویش قرار دهند تا رفتار آن‌ها به دستاویزی برای بزهکاری اعضای جامعه تبدیل نگردد.

مطالعهٔ منابع اسلامی به خوبی این نکته را مدلل می‌سازد که در نظام اسلامی، در مواردی که عملکرد متصدیان حاکمیت ممکن است موجب سوءظن و بروز شبهه در ذهن شهروندان گردد، سیاست شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی را جهت رفع سوء برداشت‌های پیش‌آمده، به صورت جدی مطمح نظر قرار می‌گیرد که این امر، در هر دو حوزهٔ عمومی و خصوصی قابل مشاهده است:

الف) شفافیت در عرصهٔ حریم خصوصی مقامات حکومتی

تدقیق در آثار اسلامی نشان‌دهندهٔ این نکته است که اگر موضوعات داخل در حیطهٔ حریم خصوصی مقامات عمومی بتواند موجب سوء برداشت شهروندان گردد، حریم خصوصی ایشان نیز در معرض شفافیت قرار خواهد گرفت. در این زمینه

¹ Tactics of Self-exoneration

² Edie Greene and Kirk Heilbrun; Wrightsman's Psychology and the Legal System, USA: Wadsworth, Seventh Edition 2011, pp 72-74

روایت شده است که یکی از اصحاب پیامبر گرامی اسلام - صلوات الله علیه و آله و سلم - ایشان را در حالی که کنار دری از منازل مدینه ایستاده و همراهشان زنی بود مشاهده کرد. پس از سلام به حضرت و دریافت پاسخ، چون از کنار حضرت عبور کرد، آن بزرگوار، او را خوانده و فرمود: این زن، فلانی، همسر من است. صحابی عرض کرد: یا رسول الله! مگر می شود نسبت به شما سوء ظن داشت؟! حضرت فرمود: همانا شیطان مانند خون در تن آدمی جریان دارد.^۱

حسب این روایت مشاهده می شود که رسول گرامی اسلام، به عنوان شخصیت اول حکومت اسلامی، جهت پیشگیری از بروز شبهه در جامعه نسبت به زوایایی از زندگی خویش که جزئی از حریم خصوصی او است، اطلاع رسانی و شفاف سازی می کنند. از همین رو، برخی از فقها، مانند شهید ثانی (ره) با استشهاد به روایت مذکور بیان داشته اند: چنانچه رفتار شخصی، حسب ظاهر با گفتار وی مغایر باشد، هر چند رفتار مزبور شرعاً موجه باشد، در صورتی که بیم آن باشد آن رفتار موجب به شبهه افتادن دیگران شود، لازم است وجه آن را بیان نموده تا مبدا دیگران به وسوسه شیطانی و سوء ظن دچار شوند.^۲ برخی دیگر از فقها، روایت مذکور را مؤیدی بر وجه استحباب اطلاع رسانی به منظور دفع توهم دیگران دانسته اند و حتی بیان حالات جسمانی و روحی را جایز و در صورت ترتب فوایدی، نظیر تعلیم به دیگران و یا دفع شبهه و نظایر آن، این اطلاع رسانی و بیان حالات را محکوم به رجحان دانسته اند.^۳

یکی از ویژگی هایی که در ائمه معصومین - علیهم السلام - وجود داشت، ناظر بر این مطلب بود که ایشان بسیاری از خصوصیات سبک زندگانی خویش را (گرچه جزء حریم خصوصی ایشان بود) برای دیگران مطرح و شفاف سازی می نموده تا بدین وسیله مسلمین بتوانند به درستی الگوبرداری نموده و رفتاری ضابطه مند داشته باشند. نمونه هایی از آن را ذکر می کنیم: در تفسیر قمی نقل شده که برخی از صحابه سوگند یاد نموده بودند هرگز شب نخوابند، در روز افطار نکنند و با زنان معاشرت نداشته باشند. خبر به نبی گرامی اسلام می رسد و ایشان در حضور مردم بر منبر رفته و پس از حمد و ثنای الهی می فرمایند: برخی را چه شده که امور پاکیزه را بر خویش حرام نموده

۱. أبو حامد عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، جلد ۱۲، تصحیح محمد

أبو الفضل إبراهیم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی ره، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ص ۳۸۰

۲. جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، منیه المرید فی أدب المفید و المستفید، تصحیح رضا

مختاری، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ص ۱۸۵

۳. حسینی شیرازی، سید محمد، من فقه الزهراء علیها السلام، ج ۱، رشید، چاپ اول، ۱۴۲۸ق، ص ۷۱

اندا؟! آگاه باشید که من (که پیامبر شما هستم) در شب می‌خوابم، ازدواج می‌کنم و در روز افطار می‌کنم. پس، هر کس از سنت من روی بگرداند از من نیست.^۱ در روایت دیگری نقل شده که پیامبر اعظم خطاب به ابوذر می‌فرمایند: ای ابوذر! همانا من جامعه خشن و درشت می‌پوشم و بر زمین می‌نشینم و بر الاغ بدون پالان سوار می‌شوم و دیگری را بر ترک خود می‌نشانم. پس، کسی که از سنت من روی بگرداند از من نخواهد بود.^۲ حضرت امیرالمؤمنین، امام علی - علیه السلام - وصی و حاکم جامعه اسلامی، پس از نبی گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - در مرقومه‌ای که برای عثمان بن حنیف می‌نویسند، چنین می‌فرمایند: به خدا سوگند، از دنیای شما نه طلایی را انباشته کرده و نه از غنایم آن بهره‌افری را ذخیره نمودم و نه با وجود لباس کهنه‌ام، کهنه لباس دیگری را مهیا کردم و نه از زمین آن وجبی را از برای خود کنار نهادم و نه بیش از خوراک مختصری از آن برگرفتم. این دنیا در چشم من خوارتر از دانه تلخی است که بر درخت بلوط بروید.^۳ دقت در موارد مزبور و نظایر فراوان آن، در اخبار وارد شده از ائمه - علیهم السلام - نشان از آن دارند که آن بزرگواران از طریق آشکار کردن زوایای زندگی خصوصی خویش برای دیگران الگوسازی نموده تا مبدا به انحراف دچار شوند.

ب) شفافیت در عرصه امور عمومی تحت کنترل مقامات حکومتی

با ملاحظه نصوص دینی می‌توان دریافت که کارگزاران حکومتی در زمینه اقدامات و تصمیماتی که در ارتباط با حوزه عمومی جامعه اتخاذ می‌نمایند، در صورتی که احتمال ترتب برداشت‌های سوء در مورد آن‌ها وجود داشته باشد، باید اطلاعات لازم را در اختیار مردم قرار داده و به شفاف‌سازی پردازند. در همین ارتباط حضرت امیرالمؤمنین، امام علی - علیه السلام - در عهدنامه خویش خطاب به مالک اشتر (زمانی که وی را به حکومت مصر منصوب فرمودند) چنین دستور دادند:

چنانچه مردم گمان برند که تو مرتکب ظلم گشته‌ای، عذر و دلیل خویش را برای آن‌ها آشکار نما، و از این طریق گمان ایشان را در مورد خود برگردان؛ که بدین‌گونه نفس خویش را ریاضت داده و با مردم مدارا نموده

^۱ قمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، جلد ۱، تصحیح طیب موسوی جزائری، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق، صص ۱۸۰-۱۷۹

^۲ طوسی، محمدبن حسن أبو جعفر، الأمالی، دارالتقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۱

^۳ صالح، صبحی، نهج البلاغه، تصحیح فیض الاسلام، دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۴۱۷

و با این بیان عذر و دلیل، به خواسته‌ات در نگه داشتن مردم در مسیر حق خواهی رسید.^۱

همان‌طور که در این فرمان حکومتی استنباط می‌شود، مجرد مشروعیت ذاتی اقدام کارگزار حکومتی مجوز این نیست که اگر کار او در صورت آن‌که به شبهه نزد شهروندان منجر شود، از شفاف‌سازی و ارائه اطلاعات به آن‌ها جهت اصلاح نگرش شان امتناع نماید؛ و همان‌طور که در این دستور تأکید گردیده است، و این امر می‌تواند مردم را از انحراف از مسیر حق و صحیح باز بدارد، و این جز همان کارکرد شفافیت در پیشگیری از بزهکاری شهروندان نیست. از همین رو، برخی از صاحب‌نظران با استفاده از روایت مذکور حکومت را مکلف دانسته‌اند در مواردی که اقدام صورت گرفته، زمینه سوءبرداشت مردم را فراهم می‌نماید؛ حقیقت را برای ایشان آشکار نموده و ضمن متقاعد نمودن آن‌ها، جهل‌شان را مرتفع سازد.^۲

نمونه‌های متعددی در تاریخ صدر اسلام مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد زندگی پیامبر گرامی اسلام از شفافیت در حکومت و اطلاع‌رسانی به مردم سرشار بوده؛ البته تا جایی که مصالح امت اسلامی ایجاب می‌کرده است. در ادامه به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود. نقل شده که وقتی پیغمبر گرامی اسلام تصمیم گرفتند مکه را به قصد سرزمین تیره‌های هوازن و ثقیف ترک گویند، حکومت و اداره امور شهر را به عتّاب بن أسید سپردند که جوانی بردبار و خردمند بود و بیش از بیست بهار از عمر وی نگذشته بود.^۳ در این‌جا پیش‌بینی می‌شد که با وجود برخی افراد مسن، انتصاب جوان مزبور از سوی پیامبر گرامی اسلام به عنوان حاکم جامعه اسلامی با شبهات و انتقاداتی مواجه شود، لذا حسب نقل، آن حضرت خطاب به مردم به اطلاع‌رسانی درخصوص مبنای تصمیم‌گیری خویش می‌پردازند. در مرقومه‌ای که آن حضرت در این جهت می‌نویسند، پس از بیان تفویض حکم فرمانداری عتّاب، فضایل وی را بر شمرده تا مردم بدانند که انتخاب وی در چارچوب ضابطه و بر شایستگی او مبتنی بوده است و لذا مردم را از مخالفت با او بر حذر داشته و تصریح می‌نمایند مبادا کسی به دلیل سن کم وی به مخالفت با او برخیزد؛ زیرا بزرگ‌تر بودن از نظر سنی به معنای شایسته‌تر بودن

۱. صالح، صبحی، همان، ص ۴۴۲

۲. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، حسن حسن‌زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای، تکمله منهاج البراعه فی

شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، تصحیح ابراهیم میانجی، مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰، ص ۲۹۴

۳. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۲، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۳، صص ۳۵۲ و ۳۷۱

نیست؛ بلکه فردی که شایستگی بیش‌تری دارد بزرگ‌تر خواهد بود.^۱ در روایت دیگری آمده است کالایی به دست نبی گرامی اسلام رسید و آن حضرت، آن را میان اهل صُفه تقسیم نمودند ولی چون میزان آن برای همهٔ ایشان کافی نبود، تنها به برخی از ایشان رسید. حضرت از بیم آن‌که مبدا شبهه‌ای در دل سایرین رخنه نماید، نزد آنان رفته و فرمودند: «مَعذِرَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ إِلَىكُمْ يَا أَهْلَ الصَّفَةِ - إِنَّا أَوْتِينَا بَشِيءً فَأَرَدْنَا أَنْ نَقْسِمَهُ بَيْنَكُمْ فَلَمْ يَسْعَمْكُمْ فَخَصَصْتُ بِهِ أَنْسَاءً مِنْكُمْ خَشِينَا جَزَعَهُمْ وَ هَلَعَهُمْ^۲» که حسب آن، حضرت ضمن عذرخواهی از ایشان، صراحتاً بیان فرموده‌اند که قصد تقسیم آن را میان همهٔ ایشان داشته‌اند؛ ولی مقدار آن برای همه کافی نبوده لذا آن را به کسانی داده‌اند که ترس از بی‌تابی و ناشکیبایی آن‌ها وجود داشته است.

در پیش گرفتن روش نبوی توسط اوصیای معصوم آن حضرت نیز در اخبار وارد شده کاملاً مشهود است. از حضرت امیرالمؤمنین امام علی - علیه السلام - نقل شده است:

«آگاه باشید که شما این حق را بر عهدهٔ من دارید که هیچ رازی را مگر در خصوص جنگ از شما پنهان ننمایم و هیچ امری را بدون مشورت با شما جز در احکام شرعی انجام ندهم.^۳»

آن حضرت، نه تنها خود همواره به اطلاع‌رسانی به مردم در امور مختلف می‌پرداختند بلکه همان‌طور که خطبه‌های متعدد نهج‌البلاغه مؤید این مطلب است، به کارگزاران حکومتی نیز دستور می‌دادند که بر ارائهٔ اطلاعات به مردم توجه نمایند. نمونهٔ آن در عهدنامهٔ ایشان خطاب به مالک اشتر منعکس شده است. در مورد حضرت امام حسن مجتبی - علیه السلام - در روایت آمده است که پس از صلح ایشان با معاویه، برخی مؤمنان که از دلیل تصمیم‌گیری حضرت آگاهی نداشتند، از ایشان سؤال می‌کنند که چگونه علی‌رغم حقانیت خویش و گمراهی و طغیان‌گری معاویه، به صلح با او حاضر شده‌اند؟ حضرت ضمن اشاره به آن‌که دلیل مصالحهٔ ایشان با معاویه همانند دلیل مصالحهٔ رسول خدا با بنی‌ضمیره و بنی‌اشجع و اهل مکه هنگام عدول از حدیبیه بوده است، تصریح می‌فرمایند: «لَوْ لَا مَا أَتَيْتَ لَمَا تَرَكَ مِنْ

^۱. مجلسی، محمد باقر، منبع پیشین، ص ۱۲۳

^۲. عاملی، محمد بن حسن (شیخ حر)، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۹، مؤسسه

آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ص ۲۶۶

^۳. صالح صبحی، نهج البلاغه، تصحیح: فیض الاسلام، دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۴

شیعتنا علی وجه الأرض أحدٌ إلا قُتل^۱ که مفهوم این مصلحت بوده که در صورت عدم مصالحه با معاویه، شیعیان به شهادت می‌رسیدند و لذا حضرت برای جلوگیری از چنین پیشامدی به صلح رضایت داده‌اند.

۱. ابن بابویه قمی، أبو جعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، ج ۱، کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱

برآمد

"شفافیت"، به معنای وضعیتی که طی آن، عملکرد کارگزاران حکومتی قابلیت اطلاع‌پذیری و اعمال نظارت از سوی شهروندان را دارا می‌باشد، از تدابیری به شمار می‌رود که از منظر سیاست جنایی دارای کارکرد پیشگیرانه است. از همین رو، در قوانین داخلی مانند قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و اسناد بین‌المللی، چون کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد، بر برقراری آن در نهادهای متکفل امور عمومی جامعه تأکید شده است.

در ذهن صاحب‌نظران، غالباً کارکرد شفافیت در ارتباط با پیشگیری از فساد اداری از سوی کارگزاران حکومتی، از طریق افزایش ریسک شناسایی و کشف بزه، مورد توجه قرار گرفته است. لیکن این نهاد از بعد دیگری نیز واجد آثار مهمی است؛ بدین معنا که حتی در حکومت‌هایی که چندان به فساد مبتلا نیستند و مجریان، افرادی قانونمند و هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی هستند، شفافیت با ایضاح حقایق برای شهروندان، از القای شبهه آلودگی ایشان به فساد جلوگیری نموده تا مبادا این امر به مستمسکی جهت توجیه کزروی‌های افراد جامعه تبدیل شود.

مطالعه در معارف اسلامی، تأکید ویژه بر شفافیت و نهاد آزادی اطلاعات را مدلل می‌سازد؛ به گونه‌ای که حتی در برخی از نصوص، مستقیماً به این کارکرد پیشگیرانه تصریح شده است.

منابع

الف) منابع فارسی

قرآن کریم

- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، أبو جعفر محمد بن علی، **علل الشرائع**، جلد ۱، قم: کتابفروشی داورى، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ابن ابی الحدید معتزلی، أبو حامد عبدالحمید بن هبه الله، **شرح نهج البلاغه**، جلد ۱۲ و ۱۸، تصحیح محمد أبو الفضل إبراهيم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی ره، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ابن بادى السببى، فارس بن علوش، "دور الشفاهیه و المساءله فى الحد من الفساد الإدارى فى القطاعات الحكومیه"، (أطروحه دكتوراه الفلسفه فى العلوم الأمنیه، جامعه نايف العربيه للعلوم الأمنیه فى رياض، ۱۴۳۱ق.
- اربلی، أبو الحسن علی بن عیسی، **كشف الغمه فى معرفه الائمه عليهم السلام**، جلد ۲، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تبریز: نشر بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
- حسینی شیرازی، سید محمد، **من فقه الزهراء عليها السلام**، جلد ۱، قم: رشید، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، **منیه المرید فى أدب المفید و المستفید**، تصحیح رضا مختاری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- سبجانی، جعفر؛ **فروع ابدیت**، جلد ۲، قم: نشر دانش اسلامی، بی چا، ۱۳۶۳.
- صالح، صبحی، **نهج البلاغه**، تصحیح فیض الاسلام، قم: دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- دلماس مارتی، می ری؛ **نظام های بزرگ سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد ۱، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- طوسی (شیخ)، أبو جعفر محمد بن حسن، **الأمالی**، قم: دار الثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- طوسی (شیخ)، أبو جعفر محمد بن حسن، **مصباح المتهد و سلاح المتهد**، جلد ۲، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- عاملی (شیخ حر)، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، جلد ۹، قم: مؤسسه آل البيت، عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

- قمی، أبو الحسن علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، جلد ۱، تصحیح: طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- متز، دیوید؛ سایکز، گرشام؛ «فنون خنثی سازی کنترل‌های اجتماعی درونی و بیرونی»، ترجمه حیدر فرهمندفر، مجله‌ی تعالی حقوق، ۱۳ و ۱۴، ۱۳۹۰.
- مجلسی (علامه)، محمد باقر، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الأطهار، علیهم السلام، جلد ۶۹، ۷۵ و ۲۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- منتظری مقدم، حامد، «یعقوبی و نظریه هم شکلی مردم با حاکمان ۱»، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱، ۱۳۸۳.
- موسوی، سید عباس؛ شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل و شورای اروپا، دیپاچه به قلم علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله؛ حسن زاده آملی، حسن و کمره‌ای، محمد باقر، تکمله منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، جلد ۲۰، تصحیح ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق.
- نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام (کتابخانه تخصصی فقه)، نسخه ۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم.
- نرم افزار جامع الاحادیث فرهنگ جامع روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت علیهم السلام، نسخه ۳/۵، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم.

ب) منابع انگلیسی

- Anheier, Helmut K; Toepler, Stefan; *International Encyclopedia of Civil Society*, Vol. 1, New York - Heidelberg: Springer, 2009
- Birkinshaw, Patrick; *Freedom of Information (The Law, the Practice and the Ideal)*, Cambridge: Cambridge University Press, Fourth Edition, 2010.
- Bovens, Mark; *Information Rights: Citizenship In The Information Society*, 2002. Retrieved may 8, 2012, from http://igitur-archive.library.uu.nl/law/2012-0321-200605/Information%20rights_Bovens.pdf.
- Brodbeck, Karl-Heinz; *TRANSPARENZ ALS ETHISCHER WERT*; Paper for the Second Finance & Ethics Congress (Diex, Austria, 2004), 2004. Retrieved July, July 13, 2012, from

<http://193.174.81.9/professoren/bwl/brodbeck/pp7/bro-trans.pdf>.

-Dyson, Esther; "Mirror, Mirror on the Wall", Harvard Business Review, September and October 1997

-Greene, Edie and Heilbrun, Kirk; *Wrightsmen's Psychology and the Legal System*, USA: Wadsworth, Seventh Edition 2011

-Iyer, Venkat; *Freedom of Information: Principles for Legislation*, Proceedings of the seminars on E-Governance & Democracy in the Millennium: Challenges & Opportunities (Chennai, India, 2000), 2000. Retrieved may 22, 2012, from <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/apcity/unpan002177.pdf>

-Krohn, Marvin D; Lizotte, Alan J and Hall, Gina Penly; *Handbook on Crime and Deviance*, New York: Springer 2009.

-Lindstedt, Catharina; Naurin, Daniel; *Transparency Against Corruption*, 2006. Retrieved may 5, 2012, from http://www.qog.pol.gu.se/digitalAssets/1358/1358046_transparency-against-corruption-_accepted-version_.pdf

-Martin, Brian; *Information Liberation: Challenging the Corruptions of Information Power*, London: Freedom Press, First Edition 1998

-Mendel, Toby; *Freedom of Information (A Comparative Legal Survey)*, Paris: UNESCO, Second Edition 2008

-Mendel, Toby; *The Public's Right to Know (Principles on Freedom of Information Legislation)*, London: Article 19, 1999.

-Oliver, Richard.W; *What Is Transparency*, United States: McGraw-Hill Companies, 2004

-Schauer, Frederick; "Transparency In Three Dimensions", University Of Illinois Law Review, Vol. 2011

-Schram, Frankie; *Transparency and Freedom of Information: a Complex Relation*, Paper for the Transatlantic Conference on Transparency Research (Utrecht, Netherlands, 2012), 2012. Retrieved June 13, 2012, from <http://www.transparencyconference.nl/wp-content/uploads/2012/05/Schram.pdf>

-Šimečka, Martin M; *La transparence contre la corruption*, 2011. Retrieved July 5, 2012, from

<http://www.presseurop.eu/fr/content/article/449741-la-transparence-contre-la-corruption>

-Transparency International; *Corruption Perceptions Index 2010*, Berlin: Transparency International, 2010

-Transparency International; *Corruption Perceptions Index 2011*,

Berlin: Transparency International, 2011

-Verhoeven, Amaryllis; *The Right To Information: A Fundamental Right?* 2000. Retrieved may 5, 2012, from

<http://aei.pitt.edu/573/1/Amaryllis.pdf>

-Vold, George B; Bernard, Thomas J and Snipes, Jeffrey B; *Theoretical Criminology*, New York – Oxford: Oxford University Press, Fourth Edition, 1998